

بررسی شبیهات وهابیت (2) تبرک

بررسی شبهات وهابیت (2) تبرک

یکی از اعتقاداتی که تقریباً همه مسلمانان به آن معتقد بوده و آن را قبول دارند تبرک است. تبرک در لغت به معنای زیادت و رشد و سعادت است. در زمان پیامبر نیز این امر جاری بود و مردم به روشهای گوناگون از وجود پیامبر متبرک می شدند. تنها فرقه ای که تبرک را قبول ندارد فرقه وهابیت است که ادله نیز برای این اعتقاد خود دارند. در ادامه به برخی شبهات وهابیت در مورد تبرک پرداخته و بیان خواهد شد.

معنای تبرک

تبرک در لغت به معنای طلب برکت است و برکت به معنای زیادت و رشد یا سعادت است. [1] تبرک به چیزی؛ یعنی طلب برکت از طریق آن شیء. و در اصطلاح به معنای طلب برکت از طریق چیزها یا حقیقت هایی است که خداوند متعال برای آنها امتیازها و مقام های خاصی قرار داده است؛ همانند لمس کردن یا بوسیدن دست پیامبر(صلی الله علیه وآله) یا برخی از آثار آن حضرت بعد از وفاتش.

تبرک در قرآن کریم

کلمه برکت در قرآن کریم با الفاظ گوناگونی به کار رفته است؛ برای افاده این معنا که برخی از اشخاص یا مکان های معینی را خداوند متعال به جهات خاصی نوعی برکت افاضه کرده است. ما در اینجا به ذکر برخی از این موارد بسنده خواهیم کرد.

1) برکت در اشخاص

2) برکت در مکان

1) برکت در اشخاص

خداوند متعال درباره اهل بیت (علیهم السلام)، یا اهل بیت ابراهیم (علیه السلام) می فرماید: رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ؛ [2] رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است، زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگوار است.

2 - هم چنین درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ [3] و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه رحمت و برکت گردانید و تا زنده ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد.

2) برکت در مکان

لفظ برکت و مشتقات آن در مورد برخی از اماکن و بخش هایی از زمین یا زمان نیز به کار برده شده است:

1 - خداوند متعال راجع به مکه مکرمه می فرماید: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ [4] همانا اولین خانه ای که برای مکان عبادت مردم بنا شده مکه است که در آن برکت و هدایت خلاق است.

2 - در رابطه با مسجد الأقصى و اطراف آن می فرماید: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ؛ [5] پاک و منزّه است خدایی که در

شبی بنده خود را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سوق داد که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت.

تبرک در روایات

با مراجعه به روایات با طیف بسیاری از کلمات نبوی و اهل بیت (علیهم السلام) مواجه می شویم که سخن از تبرک به میان آورده و محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) را اشخاص مبارک، معرفی نموده اند:

1 - پیامبر (صلی الله علیه وآله) در کیفیت صلوات چنین دستور داده اند که بگویند: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ السَّلَامُ كَمَا قَدْ عَلِمْتُمْ.** [6].

2 - در صحیح بخاری در کیفیت صلوات به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین آمده است: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ.** [7].

تبرک در تاریخ

تبرک به آثار انبیا، از جمله مسائلی است که در امت های دینی پیشین نیز سابقه داشته است، اینک به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

1 - خداوند متعال در مورد تبرک حضرت یعقوب (علیه السلام) به پیراهن فرزندش حضرت یوسف (علیه السلام) و فرستادن آن برای پدرش یعقوب (علیه السلام) از قول حضرت یوسف (علیه السلام) می فرماید: **اَذْهَبُوا يَقْمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا؛** [8] پیراهن مرا نزد پدرم یعقوب برده بر روی او افکنید تا دیدگانش بینا شود.

برادران حضرت یوسف (علیه السلام) امر برادر خود را امتثال نموده و پیراهن را برداشته و بر صورت یعقوب (علیه السلام) انداختند. پدری که در فراق فرزندش بر اثر شدت حزن و زیادی اشک نابینا شده بود. در این هنگام به اذن خداوند متعال چشمان پدر به برکت پیراهن یوسف (علیه السلام) بینا شد. البته خداوند متعال قدرت دارد که این عمل را مستقیماً انجام دهد، ولی از آن جا که عالم اسباب و مسببات است و اسباب نیز برخی مادی و برخی معنوی است، حکمت الهی بر این تعلق گرفته که در انبیا و صالحین و آثارشان برکت قرار دهد تا از این طریق مردم به آنها اعتقاد پیدا کرده و به آنها نزدیک شوند و در نتیجه با الگو قرار دادن آنان به خداوند تقرب پیدا کرده و به ثواب او نائل آیند.

2 - از جمله موارد دیگری که قرآن در مورد امت های دینی پیشین به آن اشاره کرده، تبرک جستن بنی اسرائیل به تابوتی است که در آن آثار آل موسی و آل هارون بوده است. خداوند متعال در قرآن کریم قصه پیامبر بنی اسرائیل که بشارت به پادشاهی طالوت داد، این چنین حکایت می کند: **إِنَّ آيَةَ مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛** [9] نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق (عهد) که در آن آرامش خاطر از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون (در آن) بر جای نهاده اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند به سوی شما خواهد آمد. این تابوت همان تابوتی است که به امر خدا مادر حضرت موسی (علیه السلام) فرزندش را در آن قرار داد و بر روی آب رها نمود، این تابوت در بین بنی اسرائیل احترام خاصی داشت؛ به حدی که به آن تبرک می جستند. حضرت موسی (علیه السلام) قبل از وفاتش، الواح و زره خود و آنچه از آیات نبوت بود در آن قرار داد و نزد وصی اش یوشع به ودیعه گذارد. این صندوق نزد بنی اسرائیل بود و آن را از دید مردم پنهان نگه می داشتند. بنی اسرائیل تا مادامی که تابوت

نزدشان بود در عزت و رفاه بودند، ولی هنگامی که گناه کرده و به تابوت بی احترامی کردند، خداوند آن را مخفی نمود. آنان بعد از مدتی، آن را از یکی از انبیایشان خواستند؛ خداوند متعال طالوت را پادشاه آنان کرد و نشانه ملک او، همان صندوق(عهد)بود. زمخشری می گوید: تابوت، صندوق تورات بوده است، و هرگاه حضرت موسی(علیه السلام) در صدد قتال برمی آمد آن را بیرون آورده و در منظر بنی اسرائیل قرار می داد تا با دیدن آن آرامش پیدا کرده و در جهاد سست نگردند.... [10].

سیره صحابه در تبرک به پیامبر در زمان حیاتش

ابن حجر می گوید: هر مولودی که در عصر پیامبر(صلی الله علیه وآله) بوده قطعاً پیامبر(صلی الله علیه وآله) را دیده است، زیرا اصحاب انگیزه فراوانی داشتند تا فرزندان خود را به نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) آورده تا به پیامبر(صلی الله علیه وآله) متبرک ساخته و پیامبر(صلی الله علیه وآله) او را تحنیک کند. [11] حتی گفته شده که بعد از فتح مکه، اهالی آن فرزندانشان را نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) می آوردند تا دست مبارکش را بر سرشان کشیده و دعای به برکت نماید. [12].

در این زمینه روایات فراوانی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1 - عایشه نقل می کند: صحابه دائماً فرزندان خود را نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می آوردند تا آنان را تحنیک کرده و مبارک گردانند. [13].

2 - امّ قیس فرزندش را - که هنوز غذا نخورده بود - نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آورد و او را در دامن آن حضرت (صلی الله علیه وآله) قرار داد.... [14].

ابن حجر در شرح این حدیث می گوید: از این حدیث استفاده می شود که تحنیک طفل و تبرک به اهل فضل مستحب است. [15].

3 - انس می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را دیدم که حلاّق سر مبارکش را می تراشید و اصحاب دور وجودش طواف می کردند تا اگر دانه مویی از سر حضرت (صلی الله علیه وآله) جدا شود بر دستان آنها قرار گیرد. [16].

4 - ابی ححیفه می گوید: خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسیدم، در حالی که وضو می گرفت و مردم بر هم سبقت می گرفتند تا از آب وضوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) بهره ببرند. هر کس از آن آب بر می داشت، برای تبرک به خود می مالید و کسی هم که به آن دسترسی پیدا نمی کرد از رطوبت دیگری استفاده می برد. [17].

عروه از مسور و دیگران نقل می کند: هنگام وضوی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، نزدیک بود که مردم به دلیل هجوم آوردن برای تبرک از آب وضوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) خودشان را هلاک کنند. [18].

5 - سعد می گوید: از اصحاب رسول خدا شنیدم که می گفتند: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کنار چاه بضاعه آمد و با دلوی از چاه آب کشید و با آن وضو گرفت و بقیه آن را داخل چاه ریخت. بعد از این جریان هرگاه شخصی مریض می شد، از آن چاه آب می کشیدند و او را می شستند؛ و فوراً شفا می یافت. [19].

6 - ابویوب انصاری می گوید: بعد از آن که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وارد خانه ما شد؛ من برای حضرتش غذا می آوردم، هنگامی که ظرف غذا را بر می گرداندم، من و همسر من محل دست های پیامبر(صلی الله علیه وآله) در غذا به نیت تبرک برداشته و استفاده می کردیم. [20].

رأی ابن تیمیه و احمد بن حنبل در تبرک

ابن تیمیه در کتاب اقتضاء الصراط المستقیم نقل می کند: احمد بن حنبل و غیر او اجازه داده اند تا انسان منبر و جا دستی پیامبر(صلی الله علیه وآله) را بر روی منبر برای تبرک مسح نماید، ولی مسح قبر آن حضرت را رخصت نداده اند. ولی در روایتی که به آن اشاره می کنیم احمد بن حنبل مسح قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) را نیز جایز شمرده است.

عبدالله بن احمد بن حنبل می گوید از پدرم درباره حکم کسی که به منبر رسول خدا دست می کشد و تبرک می جوید و آن را می بوسد و با قبر نیز همین کار را می کند تا ثواب ببرد، پرسیدم. گفت: اشکالی ندارد.[21]

تبرک صحابه و تابعین به آثار پیامبر بعد از وفاتش

1 - نقل است که معاویه هنگام وفات وصیت کرد که با پیراهن، شلوار، قبا و مقداری از موی پیامبر(صلی الله علیه وآله) دفن شود. [22].

2 - عمر بن عبدالعزیز هنگام وفاتش دستور داد: مو و ناخن از پیامبر(صلی الله علیه وآله) را آورده و در کفنش قرار دهند. [23].

3 - ابن سعد می گوید: در حنوط انس بن مالک، کیسه ای از مشک و موی از موهای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را قرار دادند. [24].

4 - ابن سیرین می گوید: به عبیده گفتم: نزد ما مقداری از موی پیامبر(صلی الله علیه وآله) از طرف انس یا اهل او باقی مانده که برای من محبوب تر است از دنیا و آخرت. [25].

5 - صفیه می گوید: هرگاه عمر بر ما وارد می شد دستور می داد تا کاسه ای که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نزد ما بود به او دهیم، سپس آن را از آب زمزم پر می نمود و از آن می آشامید و به قصد تبرک بر صورتش می پاشید. [26].

7 - ابن سیرین نقل می کند: نزد انس بن مالک، عصایی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که بعد از وفاتش آن را با او بین پهلوی و پیراهنش دفن نمودند. [27].

تبرک به قبر رسول الله(صلی الله علیه و آله)

1 - سمهودی نقل می کند: عبدالله بن عمر دست راستش را بر قبر شریف پیامبر(صلی الله علیه وآله) می مالید و بلال نیز صورتش را. آن گاه از عبدالله بن احمد بن حنبل نقل می کند که این عمل به جهت شدت محبت بوده، و بدین جهت تعظیم و احترام اشکالی ندارد. [28].

2 - بلال، مؤذن پیامبر، رسول خدا را در خواب دید که به او می فرماید: ای بلال، این چه جفایی است؟ آیا وقت آن نشده که به زیارت من آیی؟ بلال بیدار شد و اندوهگین و ترسان گشت. بر مرکب خود سوار شده به زیارت قبر پیامبر در مدینه آمد و شروع کرد به گریستن و صورت بر قبر پیامبر مالیدن. چون حسن و حسین علیهما السلام آمدند، آن دو را در آغوش کشید و بوسید. [29].

3 - محمد بن احمد رملی، از بزرگان شافعیه در شرح (منهاج) گفته است: سایه بان گذاشتن روی قبر بوسیدن صندوق قبر و لمس کردن آن هنگام زیارت، مکروه است، مگر آن که به قصد تبرک باشد، همچنان که فتوا داده اند اگر کسی در اثر ازدحام نمی تواند حجرالاسود را لمس کند، با عصا به آن اشاره کند، آن گاه عصا را ببوسد. [30].

4 - مروان روزی مردی را دید که صورت و پیشانی بر قبر پیامبر نهاده است. گردن او را گرفت و گفت: می دانی چه می کنی؟ وقتی سربلند کرد، دید ابویوب انصاری است. ابویوب گفت: آری! من سراغ سنگ نیامده ام، سراغ رسول الله آمده ام. از آن حضرت شنیدم که می فرمود: بر دین گریه نکنید وقتی که شایستگان عهده دار آن شوند، بلکه زمانی بر دین گریه کنید که ناهلان عهده دار و والی آن گردند! [31].

نتیجه

فیض و فضل خداوند از دو طریق بر بندگانش نازل می شود؛ گاهی از طریق اسباب عادی و مادی، و گاهی از طریق اسباب غیر عادی؛ گرچه تأثیر هر دو طریق عادی و غیر عادی به اذن و اراده الهی وابسته است. بر همین مبنا، مسلمانان به آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از قبیل: موی آن حضرت، آب وضو، لباس، ظروف و بدن مطهر آن حضرت و... تبرک می جستند، تا اینکه به صورت سنتی در بین صحابه در آمد و سپس تابعین و صالحین در عصرهای بعدی از آنان پیروی نمودند.

ابن هشام در کتاب خود، در ضمن فصلی که برای صلح حدیبیه گشوده است می نویسد: ((قریش، عروه ابن مسعود ثقفی را به نزد پیامبر فرستادند. او مدتی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست و پس از آنکه از قصد پیامبر برای حرکت به طرف مکه خبردار شد، به سوی قریش بازگشت و از آنچه دیده بود گزارش داد و گفت: وقتی محمد وضو می گیرد اصحابش برای گرفتن آب وضوی او از یکدیگر سبقت می گیرند و هر مویی که از سر او می افتد برمی دارند...)). [32]

بسیاری از اندیشمندان مسلمان، وقایعی را که در زمینه تبرک صحابه به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رخ داده است، ثبت و ضبط کرده و کتابها نوشته اند. محور این کتابها پیرامون: تبرک با کام برداری اطفال به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تبرک به وسیله مسح یا مس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، استفاده از آب وضو و غسل و باقیمانده خوردنیها و نوشیدنیهای آن حضرت است. البته تبرک جستن صحابه منحصر در این موارد نیست، آنان از آبی که حضرت در آن دست کرده یا از آن نوشیده، مو، ناخن، ظرف آب، جای لب ها، منبر، سکه های طلایی که به کسی داده بودند و بالاخره به قبر آن حضرت تبرک می جستند و با گذاردن گونه های خود بر تربت پاک آن حضرت، اشک می ریختند. علامه محقق، محمد طاهر ابن عبدالقادر، از علمای مکه مکرمه، کتابی با عنوان «تبرک الصحابه بآثار الرسول» نگاشته است. در بخشی از این کتاب آمده است:

((صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که الگوی هدایت یافتگان و صالحانند، بر تبرک به آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اتفاق نظر دارند. آنان خود از مو، آب وضو، عرق، لباس، ظروف، تماس با بدن آن حضرت و... تبرک می یافتند. اینگونه تبرکها در زمان آن حضرت انجام می شد و ایشان با عدم مخالفتشان، آن را تأیید می کردند و این خود دلیل محکمی بر مشروعیت این اعمال است و اگر مشروعیت نداشت و مورد تأیید آن حضرت نبود، قطعاً پیامبر از آن نهی می کردند و جلوگیری می نمودند.))

و در آخر اینکه؛ از آن جا که قبور و حرمهای مطهر پیامبر خدا و اهل بیت عصمت (ع) منتسب به آنان است، علاقه مندی به آستان بلندشان و برکت یافتن از قبور پاکشان، جزء سنتهای دینی است، چه به صورت دست کشیدن و لمس کردن، چه بوسیدن و چه صورت بر قبور و آستان آنان نهادن. هیچ یک از اینها هم با توحید و پرستش خداوند، ناسازگار نیست. بزرگان دین و پیشوایان مذاهب مختلف اسلامی پیوسته در آستان (اولیاء خدا) متواضعانه زمین ادب می بوسیدند و چهره بر آستان بلندشان می ساییدند و با تربت قبر آنان تبرک می جستند. پس این کار به هیچ وجه شرک نیست بلکه عین توحید است.

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (سوره انسان، آیه 3)

پی نوشت ها

1- لسان العرب، ج 10، ص 390 و صحاح اللغة، ج 4، ص 1075

2- سوره هود، آیه 73

- 3- سوره مریم، آیه 31
- 4- سوره آل عمران، آیه 96
- 5- سوره اسراء، آیه 1
- 6- صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب الصلاة النبوی(صلی الله علیه و آله) بعد التشهد
- 7- صحیح بخاری، ج 3، ص 119، کتاب التفسیر، تفسیر سورة الاحزاب
- 8- سوره یوسف، آیه 93
- 9- سوره بقره، آیه 248
- 10- تفسیر کشاف، ج 1، ص 293
- 11- تحنیک عبارت است از اولین خوردنی که به طفل میخورانند از تربت یا چیز دیگر
- 12- الإصابة، ترجمه ولید بن عقبه، ج 3، ص 638، رقم 9147
- 13- مسند احمد، ج 7، ص 303، ح 25243
- 14- صحیح بخاری، ج 1، ص 62، کتاب الغسل
- 15- فتح الباری، ج 1، ص 326، کتاب الوضوء
- 16- صحیح مسلم با شرح نووی، ج 15، ص 83 - مسند احمد، ج 3، ص 591
- 17- صحیح بخاری، ج 1، ص 55، کتاب الوضوء، باب استعمال فضل وضوء الناس
- 18- همان
- 19- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 2، ح 184
- 20- البداية و النهاية، ج 3، ص 201 - سیره ابن هشام، ج 2، ص 144
- 21- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1414
- 22- السيرة الحلیية، ج 3، ص 109 - تاریخ دمشق، ج 59، ص 229
- 23- طبقات ابن سعد، ترجمه عمر بن عبد العزيز، ج 5، ص 406
- 24- همان، ج 7، ص 25، ترجمه انس
- 25- صحیح بخاری، ج 1، ص 51، کتاب الوضوء، باب الماء يغسل شعر الانسان
- 26- الإصابة، ترجمه فراس، ج 3، ص 202 - اسد الغابه، ج 1، ص 208
- 27- البداية و النهاية، ج 6، ص 6
- 28- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1405
- 29- شفاء السقام، سبکی، ص 39 - اسد الغابه، ج 1، ص 208
- 30- کنز المطالب، حمزاوی، ص 19
- 31- مستدرک حاکم، ج 4، ص 515 - وفاء الوفاء، ج 2، ص 410
- 32- السيرة النبوية 314/2، صلح حدیبیه